



مقایسه منظومه مهر و وفا از شعوری کاشی با خسرو و شیرین نظامی

حسین قربان پور آرانی*

چکیده:

شعوری کاشی از شاعران قرن یازدهم هجری است. طبق گفته تذکره‌ها شعوری، دیوانی مشتمل بر شش هزار بیت داشته، اما بر طبق تنها نسخه موجود از اشعارش، آثار وی شامل چند قطعه و تعدادی رباعی و دو مثنوی به نام‌های مونس/اخیار و مهر و وفاست. تذکره‌ها ابتدای کار وی را زمان شاه اسماعیل صفوی (ظاهراً شاه اسماعیل دوم) دانسته‌اند، اما وی در اشعارش و به‌ویژه در دو منظومه مهر و وفا و مونس/اخیار، شاه عباس صفوی (شاه عباس اول) و وزیر وی، حاتم بیک اعتمادالدوله را ستوده است. از قول تذکره‌ها و نیز از ملاحظه اشعار باقی‌مانده از شعوری چنان برمی‌آید که وی در سرودن غزل و قصیده و رباعی و مثنوی و به‌ویژه تاریخ‌گویی مهارت داشته است.

در این نوشته، پس از شرح مختصری از احوال و آثار شعوری، مقایسه‌ای تطبیقی میان منظومه مهر و وفا از شعوری کاشی و مثنوی خسرو و شیرین نظامی انجام شده است. بدین ترتیب که مقاله با مقدمه‌ای در باب سیر آثار تقلیدی از نظامی آغاز شده، پس از آن بخشی در معرفی شعوری و آثار وی آمده، پس از آن بخشی با عنوان شیوه کار نظامی و مقلدان او آمده، از بخش‌های اصلی مقاله فصلی است درباره منظومه مهر و وفا و زمینه و خلاصه

پژوهش‌نامه کاشان
شماره سوم (پایه 11)
پاییز و زمستان 1392

* استادیار دانشگاه کاشان/ghorbanpoorarani@yahoo.com

داستان و بخش پایانی با عنوان مقایسه تطبیقی این منظومه با خسرو و شیرین نظامی است که در دو بخش مقایسه محتوایی و ساختاری به انجام رسیده است. در این بخش، تفاوت داستان شعوری با منظومه خسرو و شیرین از جهت ساختاری و محتوایی نشان داده شده است. مهم‌ترین تفاوت از جهت محتوایی تفاوت در طرح داستان و پیرنگ است که از این جهت، داستان شعوری مانند همه داستان‌های بعد از قرن دهم و شاید تحت تأثیر مکتب وقوع، کم‌هیجان‌تر و زمینی‌تر شده است. از جهت ساختاری، مهم‌ترین تفاوت در ایجاز منظومه مهر و وفا، و فور اصطلاحات عامیانه و سادگی منظومه مهر و وفا نسبت به خسرو و شیرین نظامی است.

کلیدواژه‌ها: شعوری کاشی، مهر و وفا، نظامی، خسرو و شیرین، شعر دوره صفوی.

1. مقدمه

در همه انواع ادبی، آثاری هست که به تقلید از آثار بزرگ ادبی به وجود آمده است. در فن نثر، اثر جاودانه سعدی در دوره‌های مختلف تقلید شده و نویسندگان زیادی کوشیده و مدعی بوده‌اند که اثری همپایه گلستان یا به تقلید از آن به وجود آورند. نیز شیوه بیهقی، نصرالله منشی، خواجه عبدالله انصاری و دیگر نویسندگان صاحب سبک در دوره‌های مختلف، مورد تقلید قرار گرفته است. در فنون شعری نیز در غزل‌سرایی و قصیده‌گویی و منظومه‌سازی، جواب‌گویی و نظیره‌سازی و تتبع و تقلید در دوران مختلف رواج داشته است، اما در این میان، تقلیدسرایی و نظیره‌سازی از مثنوی‌های عشقی، عرفانی و حماسی در ادبیات فارسی، نمود بیشتری دارد. در ادبیات فارسی، منظومه‌های فراوانی هستند که تحت تأثیر منظومه‌های حماسی، عشقی و عرفانی بزرگ مثل شاهنامه فردوسی و آثار سنایی و مولوی و نظامی به وجود آمده‌اند که در بین آن‌ها تقلیدسرایی و نظیره‌سازی از خمسه نظامی بیش از تقلید از آثار دیگر است و بخش بزرگی از ادبیات داستانی منظوم فارسی را نظیره‌سازی از آثار نظامی تشکیل می‌دهد؛ به طوری که آثار تقلیدی از خمسه نظامی، به تنهایی بیش از همه آثار تقلیدی دیگر در منظومه‌سازی و مثنوی‌سرایی فارسی است و علت این امر شهرت و قبولی است که بهره پنج گنج نظامی گشت، «چنان‌که بعد از وی تا قرن‌های دراز در سراسر

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

قلمرو زبان فارسی، هر جا داعیه‌داری دست به نظم داستانی زد، در اثبات قدرت‌نمایی خویش کوشید تا خمسه وی یا دست‌کم، یک یا دو منظومه آن را تقلید کند.» (با کاروان حله، ص 195) خود نظامی در سرودن خمسه خویش و به طور مشخص‌تر در بعضی مثنوی‌های آن مثل *اسکندرنامه*، *خسرو و شیرین* و حتی *مخزن الاسرار* تحت تأثیر آثار پیش از خود بوده است؛ همچنین نظامی در انتخاب وزن مثنوی‌های خود نیز مبتکر نبوده است. (سبک خراسانی در شعر فارسی، ص 106) نظامی «از گویندگان گذشته بیشتر به فردوسی و تا اندازه‌ای به سنایی نظر داشته است. (با کاروان حله، ص 210) تا حد زیادی هم منظومه ویس و رامین در شیوه کار نظامی - در خسرو و شیرین - اثر داشته است. (ر.ک: با کاروان حله، ص 82: سخن و سخنوران، ص 371، سبک خراسانی در شعر فارسی، ص 595) همچنین مایه‌هایی از داستان‌های کلیله و دمنه و دیگر کتاب‌های داستانی نیز در تقویت کار او مؤثر بوده است (ر.ک: احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی، ص 138) اما به طور کلی، باید گفت که هرچند نظامی در سرودن آثار خود در مواردی، مایه‌های اصلی کار خود را از آثار دیگران گرفته، در چارچوب تقلید نمانده و با تصرف و تدبیر ابتکاری و هنرمندانه، صورتی هنری از ذوق و قریحه توانای خود به آثار خود بخشیده است. همچنین نظامی در به‌کارگیری کلمه‌ها و ترکیب‌ها و دانش خود در شعر و نیز در شیوه داستان‌سرایی، شاعری مبتکر و نوآور و صاحب سبکی ممتاز است و روشی تازه در داستان‌سرایی و منظومه‌سازی فارسی بنا نهاده است و «گرچه داستان‌سرایی در زبان فارسی به وسیله نظامی شروع نشده و از آغاز ادب فارسی سابقه داشته، لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانسته این نوع از شعر یعنی شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند نظامی است.» (تاریخ ادبیات در ایران، 2/ 807) نظامی خود نیز از این ابتکار و نوآوری خود آگاه بوده و در آثار خود مکرر به آن اشاره کرده است:

عاریت کس نپذیرفتم‌ام هرچه دلم گفت بگو، گفته‌ام
شعبده تازه برانگیختم هیکلی از قالب نو ریختم

(مخزن الاسرار، ص 34)

اما تمام کسانی که بعد از نظامی به داستان‌سرایی و منظومه‌سازی پرداختند، از شیوه نظامی پیروی و تقلید کرده‌اند؛ هرچند کسانی کوشیده‌اند در موضوع داستان‌ها

پژوهش‌نامه کاشان
شماره سوم (پابی 11)
پاییز و زمستان 1392

تغییرهایی بدهند، مثل جامی که در سرودن لیلی و مجنون، «به روایات عربی بیشتر تکیه دارد و تأثیر دیوان منسوب به قیس بنی عامر در آن بیشتر است» (با کاروان حله، ص 293) یا کسانی که حکایت تازه‌ای برای تتبع از آثار نظامی یافته‌اند، مثل آثار خواجه‌ی کرمانی و سلمان ساوجی و نیز یوسف و زلیخاهای منظوم بعد از نظامی؛ یا کسانی که افزون بر آثار نظامی به داستان‌های دیگر مثل ویس و رامین و داستان‌های عشقی و حماسی شاهنامه و داستان‌های محلی هم نظر داشته‌اند، مانند تمام کسانی که در محیط هندوستان از قرن دهم و یازدهم به بعد، به داستان‌سرایی پرداخته‌اند؛ اما در نهایت بسیاری از آنان، آثار نظامی را تمرین کرده‌اند و هم در انتخاب وزن و هم در روش گفتار و شیوه داستان‌سرایی، تقلید از خمسه نظامی در همه این آثار تقلیدی، آشکارتر از دیگر آثار است و «داستان‌سرایی گنجه در واقع کار داستان‌سرایی بعد از خود را به تقلید شیوه و ساختن نظیره آثار خویش منحصر کرد و تا حدی نیز سبب بروز وقفه و رکود در داستان‌سرایی فارسی گشت.» (همان، ص 195) شعوری کاشی نیز از مقلدان شیوه نظامی در قرن یازدهم هجری است که از او دو منظومه مهر و وفا به تقلید از خسرو و شیرین و مونس‌اخیار به پیروی از مخزن‌الاسرار نظامی بر جا مانده است. نوشته حاضر ضمن بررسی مختصر احوال و آثار این شاعر، به مقایسه ساختاری و محتوایی منظومه مهر و وفا با خسرو و شیرین نظامی می‌پردازد.

2. احوال و آثار شعوری

شعوری کاشی از شعرای قرن یازدهم است. درباره نام و نسب وی، در تذکره‌ها اشاره‌ای نیست و ظاهراً «شعوری» تخلص اوست. (ر.ک: روز روشن، ص 424) مولد او را تذکره‌ها کاشان نوشته‌اند؛ تقی‌الدین کاشی در این باره و نیز درباره نسب وی چنین می‌گوید: «از آدمی زادگان کاشان است و دعوی اصالت از طرفین می‌کند و بعضی از ستم ظریفان این دعوی را از او قبول ندارند و الحق جد مادری وی از مردم متعین زمان بوده و او را خواجه محمد آصف می‌گفته‌اند.» (خلاصه الاشعار، ص 519) درباره کسب و حرفه وی نیز علی ابراهیم خان اشاره می‌کند که «شعوری کاشی، اوایل به کسب شعرافی و صحبت اوباشان اشتغال داشت و آخر با شعرا پیوسته» (صحف ابراهیم، ص 169) نیز طبق روایت تقی‌الدین کاشی، شعوری به حرفه شعرافی اشتغال

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

داشته، او در این باره و نیز دربارهٔ پرداختن وی به شعر و شاعری چنین می‌گوید: «اما مولانای مشارالیه در اوقات صبا و اوان سادگی، روی توجه به حرفت و کسب شعربافی آورده و هم در آن مدت به واسطهٔ مخالفت لوندان و خوش طبعان و میل به صحبت مستعدان و شاعران، چون قابل و مستعد افتاده بود، در وادی شاعری، قدم نهاده و به جد بسیار و سعی تمام در سلک ظرفا و شعرای زمان منتظم گردید و در آن وادی از اقران و امثال، قدم بالاتر نهاده به مرتبهٔ اعلیٰ رسید.» (خلاصهٔ الاشعار، ص 519) دربارهٔ تاریخ تولد و وفات او نیز در تذکرها، اشارهٔ مشخصی نیست. تعداد اشعارش را تذکرها هم از قاصیده، غزل و مثنوی و قطعه و رباعی و تواریخ حدود شش هزار بیت نوشته‌اند. (ر.ک: تذکرهٔ روز روشن، ص 424؛ تذکرهٔ نصرآبادی، ص 295؛ الذریعه، القسم الثانی من جزء التاسع، ص 528؛ تذکرهٔ صبح گلشن، ص 224؛ تذکرهٔ صحف ابراهیم، ص 169؛ خلاصهٔ الاشعار، ص 519) اما از دیوان او سخنی به میان نیامده است.

طبق گفتهٔ تذکرها وی شاگرد محتشم کاشی بوده است (ر.ک: تذکرهٔ روز روشن، ص 424؛ الذریعه، القسم الثانی من جزء التاسع، ص 528؛ تذکرهٔ صبح گلشن، ص 224؛ تذکرهٔ صحف ابراهیم، ص 169؛ خلاصهٔ الاشعار، ص 519) البته تقی‌الدین کاشی او را مقلد و نه شاگرد محتشم می‌داند و در این باره چنین می‌گوید: «همواره اوقات در ملازمت و صحبت اکابر و اهالی به کسب مجدد و معالی مصروف می‌سازد و در مضمار فصاحت و بلاغت به سبب تقلید مولانا محتشم، خود را اسبق از فرسان میدان سخنوری می‌داند و بدین سبب، گاهی در محافل و مجالس از دیگران، آنچه ملایم طبع و موافق قرارداد وی باشد، به ظهور نمی‌رسد، بلکه منافی حرمت و نقیض عزت‌ش به فعل می‌آید.» (خلاصهٔ الاشعار، ص 519)

این اشارهٔ تذکرها شاید به سبب اشارهٔ خود شاعر باشد که در اشعارش، محتشم را پیر و مراد خود خوانده، هرچند از این اشعار نیز مشخص نمی‌شود که این اظهار مریدی و مرادی به شاگردی مستقیم رسیده باشد:

جلوه‌کنان آمدش اندر نظر آنکه نظر یافته از وی هنر
در سخن اندر همه عالم، علم پیر من استاد سخن محتشم
(منظومه‌های شعوری، ابیات 251 و 252)

پژوهش‌نامه کاشان
شمارهٔ سوم (یابی 11)
پاییز و زمستان 1392

آثار شعوری بر طبق تنها نسخه موجود از اشعار او (محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره 3280) شامل چند قطعه و تعدادی رباعی و دو مثنوی به نام‌های مونس اخیار و مهر و وفاست. جز این، اشعار دیگری نیز در تذکره‌ها به نام او ثبت است و نصرآبادی از قول شخص معتبری، دو بیت از مثنوی‌های او نقل کرده که بر وزن لیلی و مجنون نظامی است و این احتمال را تقویت می‌کند که شعوری، علاوه بر دو منظومه مونس اخیار و مهر و وفا که به ترتیب بر وزن مخزن الاسرار و خسرو و شیرین نظامی است، مثنوی دیگری هم بر وزن لیلی و مجنون نظامی سروده باشد. (تذکره نصرآبادی، ص 296)

مذهب وی تشیع است و ارادت و اعتقاد او به این مذهب، هم از عقاید مذهبی و کلامی که در ضمن داستان‌ها بدان پرداخته و هم از روایات متعددی که از ائمه شیعه نقل کرده و ستایش‌های بی‌شماری که در دو منظومه خود از امام علی (ع) و فرزندان وی کرده، هویداست. نمونه‌ای از این ستایش‌ها، ابیات زیر است که در منظومه مهر و وفا پس از ستایش پیامبر (ص) آمده است:

سپهر برترین را دیگرین بدر	جهان سرور علی عالی القدر
فلک را تا جهان زیر نگیان است	خطاب او امیر المؤمنین است
نجف زان کعبه اهل یقین شد	که در وی جسم او مسکن‌گزین شد
محبتش تاج عزت را سزاوار	عزیزان جهان بی‌حبّ او خوار

(منظومه‌های شعوری، ابیات 172 به بعد)

برخی تذکره‌ها ابتدای کار او را در زمان شاه اسماعیل صفوی دانسته‌اند؛ از جمله علی ابراهیم خان، ظهورش را «به زمان شاه اسماعیل صفوی» دانسته (صحف ابراهیم، 169) و تقی‌الدین کاشی نیز در این باره چنین می‌نویسد: «از جمله نوادر افکار مولانا یکی آن است که در زمان شاه اسماعیل، میر حضوری قمی یک رباعی گفته که از حروف با نقطه و بی نقطه مصرع آن بیست و هشت تاریخ، استخراج می‌یافت، مشارالیه آن رباعی را جواب گفته، رایت تفویق برافراخت، اگرچه بی‌معنی است، در اسلوب تاریخ، بی‌قصور است و رباعی عجیب و مجاب این است؛ میر حضوری:

«الحمد ایا طبع وفاگستر ما کآمد مه یوسف‌منش آن دلبر ما

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

شاه اسمعیل نام و انصاف و بعلم
مولانا شعوری فی الجواب:

تا دهر دهد ز سحر آیین جلیل
گردد همه دم به دولت عید و فلک

(خلاصه الاشعار، ص 519)

با توجه به اینکه شاه اسماعیل دوم به سال 984 هجری وفات یافته و بعد از پدر خود، شاه تهماسب، حدود یک سال و نیم حکومت کرده و نیز با توجه به رباعی میرحضور که تقی‌الدین کاشی نقل کرده و شاه اسماعیل را به صفت، تهماسب‌منش خوانده و فاصله زمانی اندک دوران پادشاهی شاه اسماعیل با شاه عباس، به یقین اشاره تذکره‌ها به هم‌زمانی شعوری با شاه اسماعیل صفوی، اشاره به شاه اسماعیل دوم است و بدین ترتیب مشخص می‌شود که شعوری در زمان شاه اسماعیل دوم برآمده و در زمان شاه عباس به دربار وی و به خدمت وزیر شعر دوست او، حاتم‌بیک اعتمادالدوله درآمده است.

طبق گزارش برخی تذکره‌ها (تذکره روز روشن، ص 424؛ تذکره نصرآبادی، ص 495؛ الذریعه، القسم الثانی من الجزء التاسع، ص 528) و نیز به گواه اشعار او در دو منظومه موجود از این شاعر، شعوری دو تن از رجال روزگار خود را ستوده: یکی شاه عباس صفوی و دیگر اعتمادالدوله حاتم‌بیک، وزیر وی. شعوری در دو منظومه خود، یعنی مهر و وفا و مونس/اخیار، شاه عباس را ستوده است، در منظومه مهر و وفا او را چنین ستوده:

جهانبانی که فرّ پادشاهی
شه مه خرگه خورشید کریاس

(منظومه‌های شعوری، ابیات 196 و 197)

و نیز از ابیات این منظومه چنین برمی‌آید که این منظومه را شعوری در روزگار جوانی شاه عباس سروده:

به دل دارد سروری دایم از می
مباد آن را خماری هرگز از می

(منظومه‌های شعوری، ابیات 325 و 326)

بود طبع جوانان آتش‌افروز
به آتش کی توان گفتن که کم سوز

میرزا حاتم بیگ اردوبادی در سال 999 هجری قمری، از طرف شاه عباس به منصب عالی مستوفی الممالک منصوب شده بود و در فروردین ماه سال 1000 هجری به مقام وزارت اعظم رسید و اعتمادالدوله شد. (زندگانی شاه عباس اول، 3/ 141) ظاهراً بیشتر اشعار شعوری در مدح این وزیر دانشمند بوده است. میرزا محمدطاهر نصرآبادی می‌گوید: قصاید شعوری «اکثر در مدح حاتم‌بیگ اعتمادالدوله است» (تذکره نصرآبادی، ص 295) و مولوی محمد مظفر حسین صبا وی را «مداح اعتمادالدوله حاتم بیگ خان» معرفی می‌کند. (تذکره روز روشن، ص 424؛ نیز ر.ک: الذریعه، القسم الثانی من الجزء التاسع، ص 528)

علاوه بر این، شعوری در دو منظومه خود یعنی مهر و وفا و مونس‌اخیار، در بخشی جداگانه ابیاتی در ستایش این وزیر سروده است؛ در منظومه مهر و وفا درباره او چنین می‌گوید:

بگویم کیست این لطف مجسم	که چون صبح از صفاتش می‌زنم دم
جهان را روز فیروزی و شادی	تموج‌بخش دریای ایادی
سختی دست جم، دستور اعظم	به خوش‌نامی نظام نام حاتم
یمین‌الدوله حاتم‌بیگ عادل	ز قدرش آسمان صد پایه نازل

(منظومه‌های شعوری، ابیات 278 تا 281)

3. شیوه کار نظامی و مقلدان او

ریشه‌های بخشی از ادبیات داستانی فارسی را که بسیار زود در شعر فارسی مورد توجه قرار گرفته و در نخستین دوره‌های رواج فارسی دری نیز رایج بوده است، باید در ادبیات فارسی میانه جست‌وجو کرد؛ اما بخشی دیگر از داستان‌سرایی فارسی مانند آنچه در ورقه و گلشاه عیوقی و نظم‌های دیگر از این داستان آمده و آنچه در لیلی و مجنون و منظومه‌هایی که در قرن‌های بعد در همین موضوع سروده شده‌اند، دیده می‌شود، میراثی از ادب عربی است که البته گویندگان فارسی زبان به مقتضای اندیشه و محیط زندگی خود در آن تصرف‌ها کرده و تغییرهایی داده‌اند. (ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، 3/ 330) به هر حال هرچند در اشعار پراکنده رودکی و بعضی دیگر از شاعران قرن چهارم، ابیاتی از مثنوی‌ها و منظومه‌های دیگر یافت می‌شود، قدیمی‌ترین شاعر قرن پنجم که به نظم داستان‌های عاشقانه می‌پردازد، عنصری است که وامق و عذرا،

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

خنگ‌بت و سرخ‌بت، شادبهر و عین‌الحیات از مثنوی‌های اوست. عیوقی در اوایل قرن پنجم، ورقه و گلشاه را که اصل آن از تازی گرفته شده و بی‌شبهت به لیلی و مجنون نیست، سروده و در نیمه قرن پنجم، فخری گرگانی یکی از داستان‌های کهن ایرانی را به نظم کشیده است. در اواخر قرن پنجم، داستان یوسف و زلیخا توسط شاعری نامعلوم به رشته نظم درمی‌آید که بعدها هم در قرن‌های نهم، دهم و یازدهم، تقلید شده است؛ اما در پایان قرن ششم، نظم داستان‌ها به وسیله یکی از ارکان شعر فارسی، یعنی نظامی، به حد اعلای خود رسیده و در قرن‌های بعد، مورد تقلید بسیاری از شاعران قرار گرفته است. نخستین مقلد بزرگ نظامی، امیر خسرو دهلوی است و پس از او، خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی و در قرن نهم کاتبی ترشیزی از داستان‌سرایان قابل توجه‌اند. اما مشهورترین داستان‌سرای ایران بعد از قرن ششم و هفتم جامی است. در پایان دوره تیموری و در عهد صفویه هم، چه در ایران و چه در هندوستان، شاعران بسیاری به نظم داستان‌هایی مبادرت می‌ورزند که بیشتر آن‌ها به پیروی از نظامی است، هرچند انعکاس محیط هندوستان در این داستان‌ها بارز است. سرودن این منظومه‌ها تا اواخر عهد قاجار و حتی روزگار معاصر ما هم در ادب فارسی ادامه یافته است. (ر.ک: گنج سخن، ص 73 به بعد) بنابراین داستان‌سرایی فارسی هم مثل هر پدیده دیگری، پس از آغاز و رواج، دوره اوج و کمالی دارد و بعد آن، دیگر دوره‌های رکود و تسلسل و تقلید است. داستان‌سرایی فارسی که از نخستین دوره‌های ادبی زبان فارسی - بخشی تحت تأثیر ادبیات فارسی میانه و داستان‌های عشقی آن و بخشی هم به اقتباس از بعضی داستان‌های تازی - رایج شده بود، در قرن ششم به وسیله نظامی به اوج و کمال خود رسید. بعد از این دوره اوج و کمال در داستان‌سرایی فارسی، در قرن هفتم و هشتم، چند تن مثل امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی هستند که در ضمن تقلید از شیوه نظامی، نیز ابتکارهایی هنرمندانه در آفریدن آثار خود داشته‌اند و «در آثار آنان، تقلید از نظامی همه جا به قوت لایح و آشکار نیست، بلکه بعضی از داستان‌ها و مثنوی‌های منظوم آنان ابتکار است.» (تاریخ ادبیات در ایران، 3/ 329 و 330) اما بعد از این چند تن، دیگر دوران تسلسل و رکود و تقلید در داستان‌سرایی فارسی است و فقط در دوره تیموری و قرن نهم، جامی هرچند مقلد شیوه نظامی است؛ ابتکارها و تصرف‌های هنرمندانه‌ای نیز در آثار خود دارد و از این زمان به بعد در

پژوهش‌نامه کاشان
شماره سوم (یابی 11)
پاییز و زمستان 1392

آثار دوره‌های بعد که نیروی ابتکار نزد گویندگان کمتر می‌شود و بعد از این زمان در دوران صفویه و قاجار، بیشتر کسانی که به داستان‌سرایی پرداخته‌اند، مقلدانی بدون تدبیر و ذوق هنرمندانه هستند و تنها ابتکار آنان این است که تقلیدسرایان خوبی باشند؛ البته همه آنها تحت تأثیر مستقیم آثار نظامی هستند، اما از بعضی معاصران خود هم تقلید کرده‌اند. به‌ویژه در قرن نهم به بعد که تقلیدسرایان به آثار جامی هم توجه کرده‌اند و ابتکار آنان، تلفیق شیوه نظامی با آثار جامی بوده است و در مجموع این آثار چیزی به مجموعه خلاقیت هنری در ادبیات فارسی اضافه نمی‌کنند. اما در قرن دهم و یازدهم در داستان‌سرایی فارسی دو اتفاق افتاد: در هندوستان، قهرمانان و فضای داستان بیشتر تحت تأثیر محیط هندوستان قرار گرفت و در ایران، داستان‌های عاشقانه تحت تأثیر اندیشه‌های وقوعی زمینی‌تر و واقع‌گرایانه‌تر شد.

4. منظومه مهر و وفا و تقلید از نظامی

در لغت‌نامه دهخدا ذیل نام مهر و به نقل از برهان قاطع چنین آمده است: «مهر، نام مردی است که بر زنی ماه نام عاشق بوده و قصه ایشان مشهور است.» در تاریخ ادبیات هرمان اته، منظومه‌ای حماسی-رمانتیک به نام مهر و وفا به ابومحمد رشیدی نسبت داده شده است. (تاریخ ادبیات فارسی، ص 117) شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز چند منظومه مهر و وفا به شرح زیر فهرست کرده است: مهر و وفا از سالم تبریزی، مهر و وفا از سمرقندی، مهر و وفا از عرشی اکبرآبادی. (الذریعه، القسم الرابع من الجزء التاسع، ص 258)

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، دو منظومه مهر و وفا فهرست شده: یکی همین منظومه شعوری کاشی است و دیگری نسخه منحصری است در کتابخانه موزه بریتانیا و بدون نام گوینده. (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، 4/ 3255)

نام این عاشق و معشوق دو بار در دیوان حافظ بدین صورت آمده است:

اورنگ کو گلچهر کو، نقش وفا و مهر کو حالی من اندر عاشقی داو تمامی می‌زنم

(دیوان، ص 193)

ما قصه سکندر و دارا نخوانده‌ایم از ما به جز حکایت مهر و وفا می‌پرس

(به نقل از لغت‌نامه)

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

اما منظومه شعوری کاشی، مثنوی است عشقی به بحر هزج مسدس محذوف در بیان داستان عشق مهر و وفا. این منظومه را شعوری در جواب خسرو و شیرین نظامی سروده، چنان که مونس اخیار را در برابر مخزن الاسرار سروده و از ابیاتی که میرزا محمدطاهر نصرآبادی به شعوری نسبت داده، برمی آید که منظومه‌ای نیز بر وزن لیلی و مجنون نظامی داشته است. (تذکره نصرآبادی، ص 295) شعوری در چند موضع به نام منظومه خود تصریح کرده: یکی در مدح حاتم‌بیگ و دیگری در بخشی که در تعریف سخن آورده:

زنم مهر و وفا را حلقه در بر بر آن در چون دهم ترتیب گوهر

(منظومه‌های شعوری، بیت 342)

چنان که پیش‌تر اشاره شد، در آغاز این منظومه، مدحی از شاه عباس صفوی و وزیر او حاتم‌بیگ آمده و در پایان نیز منظومه را به نام حاتم‌بیگ، وزیر شاه عباس- که ذکرش گذشت- به پایان برده است و با توجه به اینکه شعوری در آغاز منظومه تصریح می‌کند که این منظومه را به دستور وزیر مذکور سروده و از آنجایی که مدت وزارت وی بیست سال بوده و از سال 1000 هجری آغاز شده و در سال 1019 نیز در گذشته، زمان سرودن این منظومه باید در حدود 1000 تا 1019 هجری و نیمه اول قرن یازدهم بوده باشد، زیرا از قرائن برمی آید که در زمان صدارت وزیر مذکور این منظومه را سروده و به او تقدیم کرده است:

شبی گشتم قرین نکته‌سنجی	که در اکتار معنی بود گنجی
ز هر وادی که سر می‌کرد حرفی	محیط معرفت را بود ظرفی
ز هر جانب که می‌شد نکته‌پرداز	به صد دل تازه می‌شد جان اعجاز
در آن دستان‌سرای ناگهانی	فتادش ره به دلکش داستانی
که شد هر حرفی از وی گوهر	لب از تقریر آن زد غوطه در نوش
بیان قصه مهر و وفا کرد	مرا نیکو به آن طرز آشنا کرد
چو دانستم سراپای حکایت	زبان شد مجلس آرای روایت
به دستوری که زینت یافت مجلس	به یمن دولت دستور عادل
چه دستور آصف مسندنشینی	که هست از خرمش مه خوشه‌چینی...
مرا در ظل جاهش باشد آن جاه	که شعرم شکر انگیزد در افواه

بحمدالله که این شعر خوش انجام
به نام او که نامش جاودان باد
به توفیق خدا می‌یابد اتمام
وجودش باعث امن و امان باد
(همان، ابیات 265 تا 307)

نیز ختم کتاب به نام وی:

به جان کن خدمت مردان عاقل
دعای آصف مسندنشین کن
ز خاطر بند هر بیهوده بگسل
بر اطوار جمیلش آفرین کن...
به نامش ختم باد این شعر رنگین
غبارش کحل چشم علویان باد
وز او بادش مدام اقبال تحسین
ز چشم بد وجودش در امان باد
(همان، ابیات 1284 تا 1291)

مقدمه‌نویس دیوان شعوری اشاره کرده که منظومه مهر و وفا، منظومه‌ای عشقی با چاشنی عرفان است (نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره 3280) البته این نکته شایان ذکر است که در این منظومه، شعوری به دلیل ایجاز‌گویی و ماهیت عشقی داستان، خیلی مجال پرداختن به مسائل عرفانی را - حداقل به طور مستقیم - نداشته است. نکته قابل ذکر دیگر اینکه منظومه مهر و وفا به تصریح کاتب، تنها نسخه موجود از این اثر، در پایان نسخه، 1432 بیت بوده است. (چون کلمه بلاغت به حروف ابجد معادل 1432 است.) استاد منزوی نیز در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (4/ 3255)، تعداد ابیات این منظومه را 1432 بیت نوشته است.

اما تنها نسخه موجود حدود 1306 بیت بیشتر ندارد و علت این امر نیز آن است که کاتب از بیت 417 به بعد، حدود 126 بیت را جا انداخته، زیرا در پایان صفحه مربوط، کلمه آغازین صفحه بعد را نوشته «زبان» اما صفحه بعد با این کلمه آغاز نشده و نشان می‌دهد که افتادگی مذکور مربوط به این قسمت از منظومه است.

5. زمینه و خلاصه داستان

آغاز داستان چنین است که شاهزاده خانمی از شاهزادگان مصر به نام «مهر»، پس از شنیدن حکایت عابدی در سرزمین ارمن از دایه خود، از پدر جهت زیارت عابد، رخصت می‌طلبد؛ مهر پس از رفتن به بارگاه شاه و اذن زیارت عابد، روی به راه می‌نهد. در راه به شاهزاده‌ای به نام «وفا» که به همراه گروهی از همراهان خود برای شکار بیرون آمده برمی‌خورد. شاهزاده به دنبال آهویی از سپاه خود جدا می‌شود و به

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

کاروانگاه مهر وارد می‌شود و با دیدن زیبایی جادویی او گرفتار عشق او می‌شود. وفا پس از بی‌تابی و بی‌قراری از عشق مهر، یکی از خدایم درگاه مهر را پیش خود می‌خواند و با اعطای گوهر بی‌شمار به او از مقصد و مقصود مهر آگاه می‌شود. پس از آن مهر نیز با دیدن چهره شاهزاده، دل از دست می‌دهد و به واسطه خادمی که قبلاً با وفا دیدار کرده، شاهزاده را پیش می‌خواند. پس از لحظه‌ای درنگ از فرط شوق و اشتیاق از نخستین دیدار، وفا نام و پیشه خود را باز می‌گوید و مهر با شنیدن نام او، دست او را می‌گیرد، پیش خود می‌نشانند و به خادمان خود دستور مجلس‌آرایی می‌دهد. در این حالت، لشکریان شاهزاده، وفا را طلب‌کنان از راه می‌رسند و وفا با دیدن لشکریان از مهر جدا می‌شود. مهر و وفا یکدیگر را در بر گرفته، با هم وداع می‌کنند و این جدایی، آتشی در دل مهر می‌افروزد.

پس از این جدایی و بی‌تابی و بی‌قراری مهر از دوری او، وفا نیز با دلی ریش‌به‌لشکرگاه خویش وارد می‌شود و با خود وعده می‌کند که بازگردد و با گنج و گوهر بی‌شمار او را در کابین آرد. از آن سو، مهر به جانب دیر عابد روانه می‌شود و پس از دیدار با او و ابلاغ پیام پدر برای خویش از عابد، طلب دعا می‌کند. عابد نیز وعده وصال می‌دهد و پس از آنکه مهر از عابد هدایت می‌طلبد، او را به صبر دعوت می‌کند. مهر دیگر بار از درد دوری اظهار عجز می‌کند و عابد مژده وصال بدو می‌دهد و مهر نیز پس از وداع با عابد روانه سرزمین خود می‌شود. پس از رسیدن مهر به دیار مصر، بیماری بر جان شاه غالب می‌شود و شاه پس از ایراد نصیحتی به فرزند، علم فنا به صحرای بقا می‌کشد و جای خود را به مهر می‌دهد. مهر پس از وفات پدر بر تخت شاهی می‌نشیند و قاصدی را به سوی وفا روانه و او را به پادشاهی تحریض می‌کند؛ وفا با سرداران خاص خود در این زمینه مصلحت‌جویی می‌کند و رای همه بر رفتن به سوی مصر قرار می‌گیرد. وفا با لشکریان خود به سوی دیار مهر روانه می‌شود و مهر با هدایای فراوان به استقبال او می‌آید. وفا نیز به روز و ساعت سعد و همایون بر تخت می‌نشیند و پس از فراغت از امور ملک به دیدار مهر می‌شتابد و طلب وصال او می‌کند. مهر نیز با وصال او موافقت می‌کند به شرطی که وفا به آیین او را در کابین آرد. شاه نیز چون این مژده دلخواه می‌شنود، فرمان می‌دهد که بزمی بیاریند و به آیین شریعت او را در عقد شاه آورند. پس از ازدواج مهر و وفا چهار پسر از ایشان حاصل

پژوهش‌نامه کاشان
شماره سوم (پابی 11)
پاییز و زمستان 1392

می‌شود و یکی از آن‌ها به نام «حقیقت» به پادشاهی می‌رسد. در پایان داستان نیز مهر پس از وفات وفا در فراق او زاری می‌کند تا دست اجل مهر را نیز نزد وفا می‌برد.

6. مقایسه محتوایی و ساختاری مهر و وفا با خسرو و شیرین

1-6. مقایسه محتوایی

1-1-6. عقاید کلامی و مذهبی

شعوری در منظومه مهر و وفا هرچند به تأثیرپذیری از خسرو و شیرین، اشارت مستقیم نکرده، اما فضای داستان به علاوه اشتراک در وزن و لفظ و مضمون و نیز مشابهت در موضوعات و ترتیب آن‌ها در دو منظومه نشانگر این تأثیر تواند بود.

چنان‌که اشاره شد، منظومه شعوری مثل منظومه نظامی با توحید و شکرگزاری آغاز می‌شود و در پی آن، ستایش پیامبر و معراج پیامبر (ص) به نظم کشیده شده. البته چون شاعر، شیعه است به جای مدح خلفا، امام علی (ع) را ستوده. در باب معراج نبی (ص) با وجود اختلاف مذهبی شعوری در مهر و وفا به روایت نظامی در خسرو و شیرین نظر داشته، در برخی روایات آمده که رسول اکرم در شب معراج در خانه ام‌هانی بود؛ ام‌هانی دختر عموی پیامبر و خواهر علی ابن ابی‌طالب و از زنان مشهور صحابی بود و در برخی روایات آمده که رسول اکرم (ص) وی را به زنی گرفت و نادیده طلاق گفت. (ر.ک: کشف الاسرار، 479/5)

نظامی:

شبی رخ تافته زین دیر فانی به خلوت در سرای ام‌هانی
(خسرو و شیرین، ص 438)

شعوری:

شبی روشن کن راز نهانی شد آن دولت قرین ام‌هانی
(مهر و وفا، ص 144)

نیز مشابهت قابل توجه دیگر، مقایسه انبیاست با حضرت رسول (ص) و برتر دانستن مقام وی از آنان مانند نظامی: (مقایسه شود با خسرو و شیرین، ص 10 به بعد)

وجودش باعث خلقت خلق به این خلقت فکنده رقعہ بر دل
ز حد وهم و فهم، اوصاف او بیش پسین انبیا وز جمله در پیش
ید بیضا کلیم از نور او داشت وز او عیسی لوای معجز افراشت

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

اثربخش از نوا زآن بود داوود که مرغ خوش‌نوای باغ او بود
 سلیمان، حشمت از خدام او داشت نگینش نیز نقش از نام او داشت
(همین مجموعه، ابیات 101 به بعد)

اما از جهت کلامی تفاوت میان دو اثر مشهود است، چنان‌که طبق معمول آثار نظامی در خسرو و شیرین نیز در بخش معراج، بر طبق عقاید کلامی نظامی و متأثر از عقاید اشعری، مسئلهٔ رؤیت خداوند مطرح شده:

محمد در مکان بی‌مکانی پدید آمد نشان بی‌نشانی
 کلام سرمدی بی‌نقل بشنید خداوند جهان را بی‌جهت دید
 وز آن دیدن که حیرت حاصلش بود دلش در چشم و چشمش در دلش بود
(خسرو و شیرین، ص 440)

درحالی‌که در منظومهٔ مهر و وفا با توجه به عقاید شیعی، گوینده طبیعتاً بحث رؤیت را مطرح نکرده و از منظر کلام شیعی چنین سروده:

در آن حالت ز خود بی‌خود روان شد به سوی جلوه‌گاه لا مکان شد
 مکانی دید از او نام مکان دور تجلی در تجلی نور در نور
 چه دید آثار توحید الهی هیولای بساط پادشاهی
 شنید آنگه بیانی از زمان دور سخنگو حاضر اما از مکان دور
(مهر و وفا، ص 146)

2.1.6. دیدگاه شعوری نسبت به عشق

نظامی در خسرو و شیرین گفتاری در باب عشق آورده و ضمن بیان عظمت مقام عشق، عشق را مایهٔ آفرینش و اصل وجود انسان و توالد نسل بشر می‌داند:

مرا کز عشق به ناید شعاری مبادا تا زیم جز عشق کاری
 فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی خاک عشق آبی ندارد
 کسی کز عشق خالی شد فسرده است گرش صد جان بود بی عشق مرده است
 نروید تخم کس بی‌دانهٔ عشق کس ایمن نیست جز در خانهٔ عشق
(خسرو و شیرین، ص 33)

در نظر شعوری، عشق در جوانی با لذت و کامرانی آغاز می‌شود و در نهایت، انسان را به حقیقت می‌رساند:

پژوهش‌نامه کاشان
 شمارهٔ سوم (پابی 11)
 پاییز و زمستان 1392

جوانی می‌شناسد لذت عشق
خوش آن کس کاندر ایام جوانی
که چون پایش خورد بر سنگ پیری
جوان دل خسروا در عاشقی کوش
در آن آتش چو یک چندی بجوشی
بدان صورت که از سر برکشی پوست
زجانست سرزند سرّ انا الحق
جوان را می‌برازد خلعت عشق
کند در عشق چندان کامرانی
همان از عشق جوید دستگیری
چنان عشقی که با جانت زند جوش
ز بود خود نظر باید پوشی
ز هر جانب کنی نظاره دوست
شوی در نیستی موجود مطلق
(مهر و وفا، ص 150)

چنان‌که ملاحظه می‌شود شعوری همچون نظامی معتقد است عشق محرک هستی است و از مجاز شروع می‌شود و سرانجام انسان را به حقیقت می‌رساند.

3-1-6. فضیلت سخن و اشرافیت انسان

چنان‌که اشاره شد، شعوری در منظومه مهر و وفا بابتی در فضیلت سخن پرداخته و نیز فصلی در باب شرف گوهر آدمی. نظامی در خسرو و شیرین در باب این دو موضوع فصلی جداگانه نپرداخته، اما در لیلی و مجنون و مخزن الاسرار در این باب به تفصیل سخن رانده و ظاهراً در این دو موضوع، شعوری به این دو اثر نظامی نظر داشته؛ شعوری همچون نظامی سخن را هم‌پایه وحی می‌داند:

بود نور سخن همسایه وحی سخن در رتبه دارد پایه وحی
(همان، ص 155)

نیز همچون نظامی در خسرو و شیرین، هرچند فصلی جداگانه نپرداخته، ابیاتی در فضیلت سخن آورده (مقایسه شود با خسرو و شیرین، ص 30 به بعد)

سخن شاهنشاه اقلیم عشق است سخن مستخرج تقویم عشق است
سخن آینه رخسار عقل است سخن گنجینه اسرار عقل است
سخن نوری است ز انوار الهی گرفته فیضش از مه تا به ماهی
سخن معیار طبع هوشمند است بر دانا سخندان ارجمند است
بود نور سخن، همسایه وحی سخن در رتبه دارد پایه وحی...

(منظومه‌های شعوری، ابیات 308 به بعد)

نیز شعوری همچون نظامی و به پیروی از سنت عرفان اسلامی، آدمی را اشرف

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

مخلوقات می‌داند:

ایا ای بر فلک قدرت مقدم
ز اجناس جهان هر جنس نغزی
ز آدم هیچ جنسی نغزتر نیست
تویی ای صف‌نشین برترین صف

به تعظیم تو قد قدسیان خم
که در قیمت مر او را هست مغزی
گران‌قیمت‌تر و پرمغزتر نیست
به کرمنای بنی‌آدم مشرف

(مهر و وفا، ص 151)

4-1-6. طرح و پیرنگ

شعوری این منظومه را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده و این تقلید را می‌توان از شباهت‌های فراوان این اثر با اثر نظامی دریافت، اما این شاعر مثل برخی از شاعران دیگر که در تقلید از نظامی سعی کرده‌اند ابتکاری بکنند، نام داستان را تغییر داده و سعی کرده داستان را در فضایی متفاوت از داستان نظامی به نظم بکشد. چنان‌که اشاره شد، در سیر تقلید و نظیره‌سازی از داستان‌های نظامی کسانی کوشیده‌اند در موضوع داستان‌ها، تغییراتی بدهند مثل جامی که در سرودن لیلی و مجنون به روایات عربی بیشتر تکیه دارد و تأثیر دیوان منسوب به قیس بنی عامر در آن بیشتر است و کسانی که حکایت تازه‌ای برای تتبع آثار نظامی یافته‌اند، مثل نظیره‌سازی‌های خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی و نیز یوسف و زلیخاهای منظوم بعد از نظامی یا کسانی که افزون بر آثار نظامی به داستان‌های دیگر مثل ویس و رامین و داستان‌های عشقی و حماسی شاهنامه و داستان‌های محلی هم نظر داشته‌اند. اما در نهایت تأثیر نظامی در بیشتر این آثار آشکار است (ر.ک: تقلیدگرایی در ادبیات فارسی و تقلیدسرایی به شیوه نظامی، ص 27) و نیز عمده آثار از جمله منظومه مهر و وفا فاقد پیرنگ هنری (plat) است.

نکته دیگر اینکه داستان‌هایی که از قرن نهم به بعد، به تقلید از نظامی سروده شده، از جمله داستان مذکور از جنبه آرمان‌گرایی و آسمانی آن‌ها کاسته شده و زمینی‌تر شده‌اند و نکته دیگر درباره این داستان اینکه برخلاف داستان‌های عاشقانه فارسی که بیشتر اظهار نیاز از جانب عاشق است، در این داستان، اظهار نیاز و عشق بیشتر از جانب معشوق است (ر.ک: منظومه‌های شعوری، بیت 700 به بعد، اظهار نیاز مهر نزد عابد) و این دو موضوع اخیر ظاهراً به دلیل تأثیر اندیشه‌های وقوعی در داستان‌های

پژوهش‌نامه کاشان
شماره سوم (پابی 11)
پاییز و زمستان 1392

عاشقانه فارسی از قرن دهم به بعد است. (ر.ک: مکتب وقوع و تأثیر آن بر داستان‌های عاشقانه فارسی، ص 313)

تفاوت دیگر داستان شعوری با منظومه نظامی، خلاصه کردن داستان و حذف داستان‌های فرعی است، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، زبان شاعر در نقل داستان، روان و بسیار موجز است. از نظر داستانی نیز حوادث داستان بسیار ساده و طبیعی است؛ حتی برخلاف داستان‌های عشقی که به نوعی با هنجارشکنی همراه است. این داستان یک سیر طبیعی و کم‌هیجان دارد که عبارت است از آشنایی دو عاشق و معشوق و سپس خواستگاری و ازدواج و هیچ حادثه خاصی در داستان نیست. از نظر هنر داستان‌پردازی نیز، این داستان خیلی ماهرانه نیست و حتی از داستان‌های عشقی پیش از خود، ساده‌تر و ابتدایی‌تر است.

2.6. مقایسه ساختاری و زبانی

از نظر ساختاری، علی‌رغم تفاوت داستان مهر و وفا با خسرو و شیرین نظامی در نام داستان، مضامین و اسلوب گفتار و بخش‌بندی‌های داستان، تأثیر نظامی در منظومه شعوری آشکار است؛ هرچند تفاوت‌هایی هم از جهت ساختاری و زبانی در این دو اثر وجود دارد.

1.2.6. توصیف و تصویرسازی

در زمینه تصویرسازی و توصیف، خسرو و شیرین علاوه بر اینکه مشحون از مضامین حکمی و لطایف سخن است، از زیباترین تصویرها و توصیف‌ها نیز بهره‌مند است و این مسئله البته به دلیل دانش وسیع و نیز ذهن خلاق هنرمند بزرگی چون نظامی است؛ اما منظومه شعوری تقریباً فاقد عناصر تصویرسازی و توصیف‌های شاعرانه است و برخلاف مقلدان نظامی که سعی کرده‌اند در ضمن داستان به مناسبت در توصیف بهار و خزان و طلوع و غروب یا زیبایی معشوق تصاویر شاعرانه بیافرینند، منظومه مهر و وفا فاقد این‌گونه تصاویر است و با اینکه ذهن شعوری در زمینه آفرینش تصویر، خلاق نیست، توصیفات که آورده، در محدوده کلیشه‌های رایج، روان و زیاست. برای نمونه توصیف شاعر در وصف مهر، معشوقه داستان:

عجب شکر لبی شیرین‌زبانی زلیخا طلعتی لیلی نشانی
فروزان شمسه ایوان خوبی گل خوش جلوه بستان خوبی

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

نهال قامتش پرورده ناز
ز سر تا پای آن ماه پرچهر
ولیکن در درون گلشن ناز
منور همچو مهر و نام او مهر
(مهر و وفا، ص 158)

نیز در وصف مهر:

طبرزد از دهانش چاشنی گیر
رخی چون روی گلشن تازه و تر
لب و دندانش با هم شکر و شیر
فروزان طلعتی چون مه منور
به بو عشرت فزای جان عاشق
به بزمش مهر و مه مهمان خوبی
نمک پاش سماط خوان خوبی
(همان، ص 164)

2.2.6. ایجاز و اطناب

در کلام بزرگانی همچون نظامی که سخنشان معیار فصاحت و بلاغت زبان فارسی است، رعایت حال مخاطب شده و میان لفظ و معنی تعادل برقرار است و جایی که کلام اقتضا می کند، به ایجاز سخن گفته و جایی که به توضیح و تبیین مسئله ای نیاز است، به اطناب می گراید. اما مقلدان نظامی در مثنوی سرایی به سبب آنکه قدرت و خلاقیت نظامی را در سخنوری نداشته اند، در کلام یا به اطناب ممل گراییده اند که کلام را از شیرینی و دلنشینی ساقط می کند یا به ایجاز مخل که هدف و مقصود گوینده را بیان نمی کند. چنان که پیش تر اشاره شد، شعوری در منظومه مهر و وفا که به تقلید از خسرو و شیرین سروده شده، به جانب ایجاز گراییده، چنان که در مقابل حدود 6200 بیت نظامی، حدود 1300 بیت سروده است. این مسئله باعث شده که علاوه بر حذف بسیاری از صحنه های داستان نظامی، شعوری از ذکر داستان های فرعی و نقل حکایات نیز صرف نظر کرده است.

3.2.6. واژگان و اصطلاحات

از نظر دایره واژگانی، کاربرد لغات عربی در منظومه های شعوری نسبتاً فراوان است، حتی لغات کم کاربرد عربی مثل هابط و ساعد، مثقب، ماحی، ماجد، غانم، غنیم، طلل، سهم، حیف، صباحت، ایادی، اکثار، رصد، سبق، متنطق، محیط، مخالطت، مخلب، شمس، ممجد تحصیل حاجات و...

نمونه:

پژوهش نامه کاشان
شماره سوم (پابی 11)
پاییز و زمستان 1392

مه از رویش صباحت وام کرده نگاهش غارت اسلام کرده
(منظومه‌های شعوری، ص 176)

شبی گشتم قرین نکته‌سنجی که در اکثار معنی بود گنجی
(همان، ص 152)

به مو داده سبق مشک ختن را بنفشه کرده در دامن سمن را
(همان، ص 176)

کاربرد لغات و اصطلاحات محاوره، در منظومه مهر و وفا به فراوانی دیگر آثار این دوره، حتی دیگر مثنوی شاعر (مونس‌اخیار) نیست، اما برخی اصطلاحات و لغات رایج این دوره در منظومه شعوری به چشم می‌خورد؛ مانند تنقل، پانداز، روارو، ساده و اصطلاحاتی مثل سنگ بر سنگ زدن، آب از دهان رفتن، شیشه بر سنگ زدن، خار در پای بودن، رم خوردن، بخیه بر روی کار افتادن، بر سبوت خود خندیدن، به ریش خود خندیدن، دست کفچه کردن و ... نمونه:

ز خان‌های تنقل رنگ در رنگ در آن خوان‌ها بساط آسمان تنگ
(منظومه‌های شعوری، ص 186)

به پانداز افکنده همه راه ز انواع نفایس تا در شاه
(همان، ص 187)

چنان شد صاف دل‌ها در زمانش که کوثر می‌رود آب از دهانش
(همان، ص 149)

خداوندا دلم معیوب مگذار که از عیب است در پای دلم خار
(همان، ص 157)

از نظر ساخت ترکیبات جدید، این گونه ترکیبات در منظومه شعوری زیاد نیست، ولی اندک ترکیبات تازه مثل هوس‌رام (هوس‌باز)، نغمه‌سنج (نغمه‌خوان)، جای‌خواب (بستر)، تندجولان و سبک‌جولان (تندرو)، شوق‌نامه (نامه عاشقانه)، دانش‌آموز (دانشمند)، قلم سرکرده (نویسنده) در این منظومه به کار رفته است؛ نمونه:

به عزم طوف او مهر هوس‌رام به پای دل در این ره می‌زند گام
(منظومه‌های شعوری، ص 165)

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

سخن‌پرداز مرد دانش‌آموز شد از نور بیان زان سان دل‌افروز
(همان، ص 157)

قلم سرکرده اهل روایت چنین شد دفترآرای روایت
(همان، ص 190)

از جهت تصویرسازی از توصیفات و تصویرسازی‌های انتزاعی که در شعر این دوره هست، حتی در مثنوی‌های امثال زلالی و ظهوری، در این اثر خبری نیست. از جهت استفاده از دانش‌های زمان هم نشانی از اصطلاحات علمی در این اثر نیست، جز چند اصطلاح رایج نجومی مثل عقرب، جدی، ترازوی فلک، کلک عطارد، اسد خرچنگ، جوزا، ثور و حمل که خیلی بر وقوف شاعر بر علوم رایج زمان هم دلالت نمی‌کند.

4.2.6. سادگی منظومه شعوری نسبت به خسرو و شیرین

یکی از ویژگی‌های تمام منظومه‌هایی که در عهد صفوی به تقلید از نظامی سروده شده، ساده‌تر شدن آن‌ها از نظر تصویر و زبان است. این سادگی هم ریشه در ادبیات دوره صفوی دارد که میان طبقه متوسط اجتماع راه یافته و هم ریشه در سطح معلومات و خلاقیت فردی مقلدان نظامی دارد. با توجه به این دو عامل است که منظومه شعوری از نظر هنری، فاقد تصاویر انتزاعی و پیچ‌درپیچ نظامی در خسرو و شیرین است و از نظر زبانی هم ساده‌تر شده و از نظر اطلاعات علمی هم به دلیل آنکه مقلدان این دوره، تبحر نظامی را در استفاده از دانش‌های زمان نداشته‌اند، دانش‌های زمان هم در این اثر بازتاب ندارد. اما تفاوت آشکاری که در این منظومه با اثر نظامی هست، یکی ایجاز در ذکر حوادث داستان است و دیگر صرف‌نظر کردن از حکایات فرعی در ضمن داستان.

5. صنایع بدیعی

از نظر کاربرد صنایع ادبی، از میان صنایع لفظی تکرار، تضاد مراعات نظیر، ترصیع و موازنه و ایهام، بیشترین کاربرد را در منظومه مهر و وفا دارد.
تکرار:

مکانی دید از او نام مکان دور تجلی در تجلی نور در نور
حجاب اندر حجاب و راه در راه نه درک از ره نه عقل از رفتن آگاه

(منظومه‌های شعوری، ص 146)

تضاد:

بگو شب در غم چون می‌کنی روز / که باد آن شب رقیبان را طرب‌سوز
(همان، ص 177)

موازنه:

بود بر قصر قدرش دیده‌بانی / زحل مانند هندو پاسبانی
(همان، ص 147)

گهی بودند در تسخیر نخچیر / کمندافکن بر او صیاد تقدیر
(همان، ص 161)

مراعات نظیر:

چو یاقوتم نماید عقد گوهر / وفا باید که گیرد خانه در زر
(همان، ص 170)

ایهام:

حمل می‌خواهدت چون بره مذبح / نگردد یک درت از شور مفتوح
(همان، ص 206)

از بدیع معنوی، جز تشبیهات و استعارات معمول که فراوان به کار رفته، کنایه
بیشترین کاربرد را در این منظومه دارد، کنایاتی مثل خار در پای بودن (گرفتار شدن)،
سنگ بر سنگ زدن (کار سهلی را به آوازه کردن)، زه بر کمان بستن (تیراندازی)،
شیشه بر سنگ کوبیدن (کار خطرناک کردن) و

تشبیه:

دگر در گلشن طبعم بهار است / بساتین خیالم لاله‌زار است
(همان، ص 148)

استعاره:

چو روزی چند از آن ماه قصب‌پوش / شد آن بیچاره با محنت هم‌آغوش
(همان، ص 176)

کنایه:

مرا هست آرزویی در دل تنگ / برآور تا نکوبم شیشه بر سنگ
(همان، ص 160)

مقایسه منظومه
مهر و وفا از شعوری
کاشی با خسرو
و شیرین نظامی

بسی بر سنگ زد سنگ از غم دل که چون بیند تهی زان شوخ محفل
(همان، ص 170)

نتیجه‌گیری

از مطالعه نوشته حاضر چنان برمی‌آید که شعوری شاعری تواناست، به‌ویژه در مثنوی‌سرایی و پیروی از نظامی که از قرن هفتم آغاز شده و پس از آن در قرن دهم و به‌ویژه قرن یازدهم شدت گرفته است. شعوری منظومه مهر و وفا را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده و اشتراک در وزن و مشابهت در موضوعات و ترتیب آن‌ها با اثر نظامی، دلیل تأثیر آشکار داستان مذکور بر این منظومه است، هرچند اختلافاتی هم از جهت محتوایی و ساختاری میان دو اثر دیده می‌شود. از جهت محتوایی، مشابهت بیشتر در ترتیب و تدوین اثر است، اما اختلافات عمدتاً از جهت فکری و مذهب و کلامی، به‌ویژه در مسائلی چون معراج و مدح خلفا و رؤیت الهی با توجه به منشأ فکری متفاوت دو اثر است. از جهت ساختاری هم هرچند شعوری دست به ابتکار زده و نام داستان را تغییر داده، درنهایت اثر فاقد پیرنگ هنری است و خلاصه کردن و حذف داستان‌های فرعی توسط شعوری هم تفاوت دیگر این اثر با داستان نظامی است. تفاوت دیگر در زبان است، در منظومه شعوری، زبان شاعر در نقل داستان روان و بسیار موجز است. تفاوت مهم دیگر پایان داستان است، از نظر داستانی در مهر و وفا حوادث داستان بسیار ساده و طبیعی است؛ حتی برخلاف داستان‌های عشقی که به نوعی با هنجارشکنی همراه است، این داستان یک سیر طبیعی و کم‌هیجان دارد و مانند همه داستان‌هایی که از قرن نهم به بعد به تقلید از نظامی سروده شده، از جنبه آرمانی و آسمانی آن‌ها کاسته شده و زمینی‌تر شده‌اند. از نظر هنر داستان‌پردازی نیز، برخلاف داستان نظامی این داستان خیلی ماهرانه نیست و حتی از داستان‌های عشقی پیش از خود، ساده‌تر و ابتدایی‌تر است.

منابع

- احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی، برات زنجانی، انتشارات دانشگاه تهران، 1370.
- با کاروان حله، عبدالحسین زرین‌کوب، ج 7، انتشارات علمی، تهران، 1372.
- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، انتشارات فردوس، تهران، 1362.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره سوم (پابی 11)
پاییز و زمستان 1392

- تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ترجمه دکتر رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1352.
- تذکره روز روشن، تألیف مولوی محمد مظفر حسین صبا، به تصحیح و تحشیه محمد حسین رکنزاده آدمیت، انتشارات کتابخانه راوندی، چاپ اسلامی، تهران، 1343.
- تذکره صبح گلشن، سید علی خان بهادر، به اهتمام محمد عبدالمجید خان، هند، مطبع شاه جهانی، چاپ سنگی، 1295 ق.
- تذکره نصرآبادی، تألیف میرزا محمد طاهر نصرآبادی، با تصحیح و مقابله وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی، بی تا.
- تقلیدگرایی در ادبیات فارسی و تقلیدسرایی به شیوه نظامی، حسین قربانپور آرانی، کیهان فرهنگی، شماره 140، سال چهاردهم، اسفند 1386.
- خسرو و شیرین، حکیم نظامی گنجوی، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، نشر قطره، تهران، 1376.
- خلاصه الاشعار و زیده الافکار (بخش کاشان)، تألیف میر تقی الدین کاشانی، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین کهنمویی، چ 1، نشر میراث مکتوب، 1386.
- الذریعة الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، دارالاضواء، بیروت، بی تا.
- زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی، چ 2، انتشارات علمی، تهران، 1364.
- سبک خراسانی در شعر فارسی، محمدجعفر محجوب، چ 1، انتشارات فردوس، بی جا، بی تا.
- سخن و سخنوران، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات خوارزمی، تهران، 1369.
- صحف ابراهیم، علی ابراهیم خان متخلص به خلیل، عکس نسخه خطی کتابخانه برلن.
- فهرست نسخه های خطی فارسی (ج 4)، احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، تهران، 1351.
- کشف الاسرار و عده الابرار، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، چ 4، امیرکبیر، تهران، 1361.
- گنج سخن، ذبیح الله صفا، انتشارات سینا، تهران، 1339.
- مخزن الاسرار، حکیم نظامی گنجوی، تصحیح وحید دستگردی، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران، 1379.
- «مکتب وقوع و تأثیر آن بر داستان های عاشقانه فارسی»، حسین قربانپور آرانی، بهار ادب، شماره 3 (پیاپی 13)، سال چهارم، پاییز 1390.
- منظومه های مونس اخیار و مهر و وفا از شعوری (شاعر قرن یازدهم)، تصحیح، مقدمه، تعلیقات، حسین قربانپور آرانی، انتشارات هستی نما، با همکاری دانشگاه کاشان، تهران، 1389.